

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بلا و ابتلاء از دیدگاه دین

سید حسن موسوی خراسانی

بهار ۱۳۹۹

- ۸..... گرفتاری چرا؟
- ۱۰..... خاصیت این گرفتاری‌ها چیست؟
- ۱۰..... از امتحان شدن گریزی نیست.....
- ۱۱..... نمونه‌ای از امتحان خدا.....
- ۱۲..... چرا ما؟.....
- ۱۳..... آیا بلاها نعمت هستند؟.....
- ۱۴..... داستان.....
- ۱۵..... داستان.....
- ۱۷..... چه کنیم؟ در بلا، تکلیف چیست؟.....
- ۱۷..... ۱- مداوا کنیم.....
- ۱۸..... ۲- دعا کنیم.....
- ۱۸..... هر چهل روز یک بلا.....
- ۲۰..... آنجا که بلا زینت است؛.....
- ۲۰..... مؤمن واقعی همواره مبتلاست؛.....
- ۲۳..... دعای بدون اقدام هرگز.....

- ۲۴..... ۳. تلاش کنیم.
- ۲۵..... ۴. باور کنیم.....
- ۲۸..... ظرفیت لازم است.
- ۳۱..... نظر دین در گرفتاری‌ها
- ۳۴..... نظر دین به بیماران.....
- ۳۴..... بیماران گرامی‌اند:.....
- ۳۴..... بیماران پاداش دارند.....
- ۳۵..... وظیفه بیماران نزد طیب.....
- ۳۵..... وظیفه بیمار نزد مردم.....
- ۳۶..... هم دعا، هم دوا.....
- ۴۰..... نقش دین در پزشکی.....
- ۴۱..... سرچشمه طب وحی الهی است.....
- ۴۲..... پزشکی در اسلام.....
- ۴۲..... نکته‌ها:.....
- ۴۴..... چرا بیمار می‌شویم:.....
- ۴۴..... علت بیماری‌ها.....
- ۴۷..... حکمت پنهان مرگ.....

- ۴۷.....شکیبایی بیمار.....
- ۴۸.....سپاسگزاری.....
- ۴۸.....صدقه دادن.....
- ۴۹.....دعا.....
- ۵۰.....پاداش پرستاری.....
- ۵۱.....وظائف پزشکان.....
- ۵۱-۱- احساس مسئولیت؛.....
- ۵۲-۲- تقوای پزشکی؛.....
- ۵۳-۳- تشخیص بیماری؛.....
- ۵۴-۴- حفظ اسرار مریض؛.....
- ۵۵-۵- ایجاد امید در مریض؛.....
- ۵۶.....جلوگیری از پزشک نماها؛.....
- ۵۸.....دین و سلامتی.....
- ۶۱.....داستان.....
- ۶۲.....جوابی حکیمانه.....
- ۶۳.....کنترل شکم.....
- ۶۵.....وظائف افراد سالم:.....

۱. عیادت و احوالپرسی؛ ۶۵
۲. پرهیز از نگاه دنباله دار به بیمار؛ ۶۵
۳. بیمار را مجبور به خوردن غذا نکنید؛ ۶۶
۴. عیادت مریضان خاص؛ ۶۶
- نکته..... ۶۷
- حفظ سلامتی..... ۶۸
- دقت‌های دینی:..... ۷۲
- طرح فاصله گذاری اجتماعی..... ۷۳
- مقصر ماییم نه مقدرات الهی..... ۷۴
- بیاپید دیدگاهمان را عوض کنیم..... ۷۹
- پس چگونه باید بود؟..... ۸۱
- چرا ویروس وارد حرم هم می‌شود؟..... ۸۱
- نکته‌هایی از این بحث ۸۳
- اراده خدا یا اراده من؟..... ۸۳
- لطیفه..... ۸۴
- غرور ممنوع..... ۸۴
- بیاپیم..... ۸۶

قرآن مجید، امتحان را حتمی و ضروری می‌داند: «وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ و آنها را به خوبی‌ها و بدی‌ها آزمودیم باشد که به حکم حق برگردند.^۱

از این آیه استفاده می‌شود که امتحانات الهی همواره بوده و مواد امتحانی هم فقر و غنا و مریضی و سلامتی و جنگ و صلح بوده است.

در آیات فراوانی از کتاب آسمانی ما قرآن مجید در خصوص ملت‌های پیشین و امت‌های نامدار تاریخ بحث آزمون و امتحان مطرح است.

گرفتاری چرا؟

می‌گویند چرا باید گرفتاری داشته باشیم؟

اولاً: خداوند راه هدایت و سعادت را نشان داده است؛ «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ»؛ ما راه را نشان دادیم.
ثانیاً: خداوند انبیاء را برای همه زمان‌ها و انسان‌ها فرستاده است؛ ۱۲۴۰۰۰ پیامبر الهی.

ثالثاً: خدا انسان را به اختیار خودش آزاد قرار داده است؛ «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ ما راه را نشان دادیم، این مردمند که یا شکرگزارند و یا روی گردان از حق.^۱

رابعاً: خداوند عقل را برای تشخیص خوب از بد به انسان مرحمت فرموده است؛ «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ».

خامساً: از سوی خدا عاقبت خوبی و بدی که بهشت و جهنم باشد، معین شده است و حتی نمونه خوبان و بدان را

برای عبرت انسان‌ها معرفی کرده است و سرنوشت خوبان خوشنام و بدان بد عاقبت را معلوم فرموده است. بعد از فرستادن انبیاء و رهبران دینی و کتاب‌های آسمانی و خلقت عقل برای انسان، کتابی که هم از گذشته خبر دارد و هم از آینده خبر می‌دهد و هم تکلیف امروز را گفته است یعنی قرآن مجید را فرستاده است و از طرفی در هیچ مقطع زمانی مردم را بدون رهبر آگاه به خود وا نگذاشته است. اگر تَمَرّد و سرکشی انسان او را به هلاکت اندازد، این هلاکت دست آورد خود او می‌باشد؛ «بِمَا كَسَبَتْ آيَدِيهِمْ»: یعنی این دست آورد خود آنهاست.

خاصیت این گرفتاری‌ها چیست؟

خدای حکیم نه کاری غیر حکیمانه می‌کند و نه به کسی ظلم می‌کند و اگر با دقت به جریان بلاها بنگریم خواهیم دید که حتی بلاها به نفع نوع بشر است.

در یک تقسیم بندی دقیق، امیرمؤمنان علیه السلام خاصیت بلاها را نقل می‌کند:

قال علی علیه السلام: «إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ وَلِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَلِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ...»؛ بلا برای ظالم ادب و برای مؤمن امتحان و برای پیامبران درجه و مقام است.^۱

از امتحان شدن گریزی نیست.

«وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»:

و البته ما شما را در مقام امتحان به سختی‌هایی چون

ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت
بیازماییم و بشارت و مژده از آن صابران است.^۱

نمونه‌ای از امتحان خدا

قرآن می‌گوید: پدری ثروتمند از دنیا رفت و اموالش به
فرزندان ناخلفش به ارث رسید. آن مرد صالح بود و دست به
خیر داشت و از اموالش به مردم می‌بخشید ولی فرزندانش
مانند او نبوده و تصمیم گرفتند صبح زود میوه‌های باغ را
بچینند تا فقراء به سراغشان نیایند. ما با مؤاخذه خود به آنها
پاسخ دادیم و باغشان سوخت و آنها مستوجب خسارت‌ها
شدند؛ «إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا
مُصْبِحِينَ»؛ همانا، ما مردم (مکه را) آزمودیم، همان گونه که
صاحبان آن باغ (در یمن) را آزمودیم، آنگاه که سوگند یاد
کردند صبحگاهان میوه‌های باغ را بچینند.^۲

۱. بقره ۱۵۵

۲. قلم ۱۷

چرا ما؟

می پرسند چرا ما از میان ملت باید آزمون بدهیم؟
از قدیم گفته اند «الْبَلَاءُ لِلْوَلَاءِ» یعنی بلا برای اهل ولا و
دوستداران است؛

هرکه در این بزم مقرب تر است

جام بلا بیشترش می دهند

رسول خدا ﷺ مؤمنین را مانند خوشه های زراعت می داند
که همواره باد آنها را به چپ و راست می برد یعنی مؤمن
همیشه در حال امتحان و سختی های زندگانی است.^۱

قال الصادق عليه السلام: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ
الْأَمْثَلُ فَأَلْأَمْثَلُ»؛

سخت ترین بلاها برای پیامبران الهی است، پس از آنان،

طرفدارانشان و همین طور به ترتیب همین نزدیک‌ترین افراد به آنانند.^۱

آیا بلاها نعمت هستند؟

اولاً گفته‌اند "هر بلائی کز تو آید نعمتی است" زیرا خداوند نسبت به بندگانش رثوف و مهربان است؛ «إِنَّ اللَّهَ رَثُوفٌ بِالْعِبَادِ». پس قصد آزار و اذیت او را ندارد.

ثانیاً: خدا حکیم است و کار لغو و بیهوده و بی حکمت انجام نمی‌دهد؛ «أِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ».

ثالثاً: در خداوند دلیل ظلم و ستمی نیست، زیرا ظلم یا از روی ترس یا از روی جهل است یا از روی نقص به سراغ انسان می‌آید و یا برای جبران و تلافی است دامنگیر انسان می‌شود و در خداوند هیچکدام از این نقیصه‌ها نیست؛ «إِنَّ

اللَّهِ لَيْسَ بظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ». پس هر نعمتی هم برای اهل شناخت نعمتی در بر دارد.

قال العسکری عليه السلام: «ما من بليّةٍ إلا والله فيها نعمةٌ تُحيطُ بها»؛ خداوند در هر بلایی نعمتی گذارده است که آن نعمت فراگیر و محیط بر بلا و گرفتاری است.^۱

داستان

همسایه‌ای داشتیم که خودش و دو فرزند جوانش فلج و ویلچری بودند و همواره خودش روی صندلی درب خانه‌اش نشسته و آن دو جوان معلولش از جلوی او رژه می‌رفتند و حتی زبان دو فرزند هم فلج بود هرگاه کم می‌آوردیم در را باز می‌کردیم و به سراغ او می‌رفتیم و لحظه‌ای با او می‌نشستیم و نکته مهم این که هرگز از زبان او کلمه‌ای دالّ بر

۱. بحار الانوار ج ۷ ص ۳۰۴

ناشکری نشنیدیم! با یک عالم خجالت به خانه بر می‌گشتیم.

داستان

با مرحوم حاج خلیل موحد رحمته الله که پیری عارف و عاقل بود به دیدن مردی رفتیم، بر بالینش نشستیم، به آن بزرگوار گفتیم حالتان چطور است؟ گفت: بسیار خوب الحمدالله، درد دارم و تاب تحمل درد هم دارم و شبانه روز شکر می‌کنم که خداوند برای من که مشغله کاری داشتم و هرگز چنین خلوتی پیدا نمی‌کردم، فرصتی فراهم نمود که با او باشم.

آری، در مکتبی هستیم که مولای ما حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در زندان و زیر شکنجه، آوازه سجده شکرش سراسر عالم را گرفته است.

می‌گویند در زمان یکی از پیامبران، مردم حرف آن پیامبر را نمی‌شنیدند و خوبان جامعه به بدکاران امر به معروف نمی‌کردند و سکوت می‌نمودند. عذاب الهی آمد همه را مجازات

کرد و همگان به عذاب دنیوی خدا مبتلا شدند؛ ما هم گاهی
با سکوتمان به همان گناهکاران کمک می‌کنیم و مستوجب
مکافات می‌شویم؛

چه کنیم؟ در بلا، تکلیف چیست؟

۱- مداوا کنیم

می‌گویند یکی از انبیاء یا اولیاء الهی مریض شد و گفت من با دوا مداوا نمی‌کنم. خدا که مرا می‌بیند، خودش مرا شفا می‌دهد. دو سه روز درد کشید، روز سوم از سوی خدا ندا آمد که اگر چندین روز هم در این حال بمانی مداوایی به جز آن چه به دست انسان‌های متخصص تجویز شده برایت نخواهد بود، چرا که همان دوا هم از من است، گیاه، زمین، طبیب و استعدادش _خاصیتی که در آن گیاه تعبیه شده_ قدرت تشخیص و تمام اسباب و علل از من است. آن ولی خدا حرکت کرد و به سوی مداوای تجویز شده از سوی اهل علم و دانش رفت و بهبودی حاصل نمود.

۲- دعا کنیم

از خدا خواستن جزء سرشت و فطرت هر انسانی است. شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: من خدا را قبول ندارم و نمی‌پرستم. حضرت فرمودند: خدا خواهی در ضمیر توست و اکنون از روی لجاجت منکر او هستی. سپس فرمود: آیا تا کنون در کشتی نشسته‌ای؟ گفت: بلی. فرمود: آیا کشتی‌ات دچار طوفان و امواج سهمگین دریا شده است؟ گفت: آری، فرمود در لحظه غرق شدن که قرار گرفتی چه کردی؟ گفت: فریاد زدم. فرمود: همان فریاد نام خداست و گرنه در آن موقعیت فریادرسی نیست. من و تو در اسم دعوا داریم من می‌گویم خدا، تو می‌گویی فریاد.

هر چهل روز یک بلا

از آنجایی که انسان‌ها در وضعیت عادی زندگی گاهی غافل می‌شوند، لذا خداوند برای افراد مؤمن هر چهل روز یک بلا یا کوچک یا بزرگ مقدر می‌کند تا از غفلت به

هوشیاری بدل شوند. ظریفی مثال رانندهٔ بیابان در جاده‌های صاف را می‌زد که اگر در نزدیکی روستاها دست اندازی تعبیه نشده باشد و راننده خواب آلوده چرتش پاره نشود، در روستا با درخت یا انسان یا تیر برق تصادف می‌کند. پس بلاهای کوچک و بزرگ نمی‌گذارد که انسان مبتلا به حادثه بزرگی شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر آن که هر چهل روز یک بار به وسیله بلایی متنبه می‌شود. این بلا یا به او می‌رسد یا به فرزندش یا به خودش که پاداش آن را می‌بیند و یا اندوهی به او می‌رسد که نمی‌داند از کجاست.^۱

هر مؤمنی در هر چهل روز به وسیله مال یا فرزند یا جان خود به بلایی تذکر داده می‌شود و بر آن پاداش می‌گیرد و یادِ همّ و غَمّی می‌افتد و نمی‌داند از کجاست.^۲

۱. میزان الحکمه ج ۲ حدیث ۲۰۸۹

۲. بحار الانوار ج ۷۸ ص ۱۹۹

آنجا که بلا زینت است؛

امام هفتم علیه السلام فرمود: **مَثَلُ مُؤْمِنٍ مَثَلُ دُو كَفَّةٍ** یک ترازو است، هرچند ایمانش زیاد شود، بر بلایش افزوده گردد؛ (تا نهایتاً خداوند را بدون خطا ملاقات کند).^۱

مؤمن واقعی همواره مبتلاست؛

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید آیا مؤمن به جذام، برص و امثال این مرض‌ها گرفتار می‌شود؟ فرمود: **آیا بلا جز برای مؤمن است؟!**

نتیجه:

از این بحث قرآنی استفاده می‌کنیم که؛

۱- آزمون و امتحان، حتمی است و همگان باید آماده امتحانات الهی باشیم.

۲- امتحان، همگانی است یعنی خوبان و بدان عالم

همواره در بوتهٔ امتحان قرار می‌گیرند.

۳- فلسفه امتحانات الهی نزدیک شدن به خداوند است زیرا معلوم می‌شود که هنوز در لیست خداوند نام و ارزشی داریم.

مجنون می‌گفت اگر می‌گویید لیلی دیگر با تو نیست، پس چرا هنوز گاهی نام مرا بر زبان جاری می‌کند؟

اگر با دیگرانش بود میلی

چرا جام مرا بشکست لیلی

۴. بلا و امتحان زمان و مکان خاصی ندارد و در همهٔ زمان‌ها و همهٔ مکان‌ها و همهٔ انسان‌ها این سنت الهی رواج داشته است.

۵. مواد امتحانی همه چیز می‌تواند باشد؛ خوف و خطر، گرسنگی و قحطی، ورشکستگی مالی، خشکسالی، از دست دادن نزدیکان و دوستان و ...

۶. اینکه ما از امتحان و ابتلاء ناراحتیم بدان دلیل است که

از نتیجه نمرات بی‌خبریم و گرنه اولیاء مقرب خدا از امتحانات الهی استقبال هم می‌کردند.

امام حسین علیه السلام در ظهر روز عاشورا می‌گوید: «الهی رِضاً بِقَضَائِكَ، صَبْرًا عَلَى بَلَائِكَ»؛ خداوندا به مقدر تو راضی‌ام و بر بلای تو صبر می‌کنم و... .

۷. بلاها را اگر خوب بررسی کنیم، باز دارنده از بدی‌ها خواهند بود زیرا عبرت گرفتن از حوادث تاریخی سفارش دین ما می‌باشد.

۸. ابتلاء و گرفتاری گاهی حق ماست زیرا ما یا گرفتار گناهیم یا اگر گناه نمی‌کنیم، نهی از گناه هم نمی‌کنیم. به یادمان باشد که یک قوم صد هزاری، نفر نیمی اهل گناه بودند و نیمی گناهکار نبودند لکن کمک به ترک گناه دیگران هم نمی‌کردند. وقتی عذاب آمد، همه را در بر گرفت.

پس باید باور داشته باشیم و بدانیم همه چیز در دست

قدرت اوست؛ هم توفیق دعا هم توفیق اجابت دعا به دست
با کفایت اوست.

ای دعا از تو اجابت هم ز تو

ایمنی از تو مهابت هم ز تو

دعای بدون اقدام هرگز

در عین اینکه سفارش به مداوا شده، خدا در قرآن می
فرماید چه شده است شما را که در گرفتاری‌ها دعا نمی‌کنید.
«قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا»^۱ بگو:
اگر دعای شما نباشد، پروردگار من برای شما وزن و ارزشی
قائل نیست (زیرا سابقه‌ی خوبی ندارید). شما حقّ را
تکذیب کرده‌اید و به زودی کیفر تکذیبتان دامن شما را
خواهد گرفت.

می‌گویند یکی از اصحاب پیامبر ﷺ شترش را کنار مسجد رها کرده و به مسجد رفت. بعد که برگشت شترش گم شد. به محضر پیامبر ﷺ رسید و گفت: شتر مرا بردند. حضرت فرمود: مگر زانویش را نبسته بودی؟ گفت: نه، بر خدا توکل کردم. فرمود: بایستی زانوی شتر را محکم می‌بستی و توکل بر خدا هم می‌کردی.

گفت پیغمبر به آواز بلند

با توکل زانوی اشتر ببند

۳. تلاش کنیم

تمامی حوادثی که برای انسان پدید می‌آید او را به سوی کمال نزدیک‌تر می‌کند، زیرا برای نجات از آن تلاش می‌کند. اگر انسان در دریا بیفتد به هر نحوی که مقدورش باشد تلاش می‌کند تا خود را نجات دهد و بنا به قول معروف به تمام علف‌های کنار دریا چنگ می‌زند تا نجات یابد: «الغریقُ

يَتَشَبَثُ بِكُلِّ حَشِيشٍ؛ یعنی انسان در حال غرق شدن به تمام علوفه‌ای که ریشه در آب دارند، متوسل می‌شود.

قرآن مجید می‌فرماید: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ وقتی اراده کردی پس با تکیه و توکل بر خدا اقدام نما.^۱

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: اگر خواستی اقدامی بکنی ولی ترس داری، با توکل خود را در آن قرار بده، خدا کمک می‌کند.

۴. باور کنیم

اسلام که دینی کامل و خلاصهٔ ادیان آسمانی است، دستوراتی دارد و قرآن که آخرین کتاب الهی در آخرین زمان و بر قلب آخرین پیامبر نازل شده است، دارای همهٔ بایدها و نبایدهائی که برای بشر ضروری است، می‌باشد: «وَلَا رَطْبَ وَ

لَا يَأْتِيهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ»؛ هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتاب خدا بیان شده است.^۱

هرگاه ملتی از سخن خدا سرپیچی کند، به مکافات دنیا و آخرت گرفتار می‌شود: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»؛ و هر کس از یاد من رویگردان شود، زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت.^۲

در قانون نامه الهی برای بشر تمامی دستورات تحت عنوان حلال - حرام - مکروه - مستحب و مباح بیان گردیده و تفسیر قانون هم با رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود. در حقیقت نسخه الهی را برای بشریت تفسیر و ترجمه کرده است. ... گرفتاری‌های امروز بشر به خاطر عمل نکردن به این نسخه حکیمانه است.

۱. انعام ۵۹

۲. طه ۱۲۴

آنچه را که امروز به عنوان بلیه کرنا به سراغ انسان آمده و می‌گویند از ناحیه خوردن فلان حیوان در فلان ینگه دنیا است، دلیلش آن است که به نسخه خدای حکیم عمل نکرده اند، وگرنه در نسخه خدا خوردن برخی از چیزها حرام و ممنوع است. شاید عده ای به فلسفه حرام بودن برخی از آنها رسیده‌اند و شاید هنوز همگان به فلسفه همه احکام الهی پی نبرده‌اند. انسان دارای عقل و اندیشه است و وقتی که عقل و اندیشه خودش در تشخیص مطالب به جایی نمی‌رسد، نباید با این ذره علم بی مقدار خودش اینقدر مغرور شود که خدا را هم بنده نباشد. قرآن فرمود: «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»؛ به شما جز اندکی از علم را نداده‌ایم.^۱

باید اقرار کنیم ما نابالغان از اهل علم و دانشیم. اولیاء معصوم الهی که دارای درجه بالایی از بلوغ و ظرفیت بوده و خدا به آنها علوم بیشتری داده است، همه چیز را از خدا و از

سوی او می‌دانند و تسلیم الهی‌اند. اما ما فرعون گونه به این علم ناچیز خودمان مغرور می‌شویم.

ظرفیت لازم است.

می‌گویند محصلی همواره از خدا می‌خواست که علمی بدون زحمت به او داده شود و از بس که اصرار داشت و خداوند هم می‌دانست که او ظرفیت آن علمی که درخواست می‌کند را ندارد، به او نمی‌داد و دعایش مستجاب نمی‌شد. بالاخره شبی از شب‌ها خداوند توسط ملکی یک «بسم الله الرحمن الرحیم» به او تلقین کرد. وقتی که برخاست، دید اطلاعاتی که همیشه نداشته است، دارد. مغرور شد و مستانه به همه چیز و همه کس ایراد می‌گرفت؛ مثل هر روز در درس شرکت کرد و هر کلمه‌ای که استادش می‌گفت، ایراد می‌گرفت و مزاحم دیگران می‌شد. عاقبت استادش که از قضیه باخبر شد فریاد زد و فرمود: آرام بگیر، اینقدر بد مستی مکن، آنکه دیشب به تو «بسم الله» تلقین کرده، به دیگران تا «وَلَا الضَّالِّينَ» را تلقین کرده و آرامند!

این که برخی با القابی نظیر دانشمند و پروفیسور و دکترا و اهل علم و آیت عظمای الهی و امثال اینها از سوی خدا نظر می‌دهند و عده‌ای هم به جای خدا گوش به دهان آنها دوخته‌اند، از قبیله همان فردی است که با تلقین «بسم الله» طاقت نیاورده و آرام و قرار از او گرفته شده است، می‌باشند! ظرفیت و جنبه داشتن از موهبت‌های خداست. همان ظرفیتی که وقتی حضرت موسی مأموریت پیدا کرد به سوی فرعون برود و او را ارشاد کند از خدا خواست که خدایا به من ظرفیت و شرح صدر مرحمت فرما: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»^۱.

دانشمندان با ظرفیتی در عالم داریم که در رشته خودشان در جهان سرآمدند و نظرشان مورد قبول بسیاری از مردم

عالم است ولی وقتی به مذهب که رشته تخصصی آنها نیست، می‌رسند نظر نمی‌دهند و آن را به دانشمندان دینی می‌سپارند. ولی دانشمند نمایانی هم داریم که با شنیدن چند جمله تعریف در همه چیز حتی وحی الهی نظر می‌دهند!! مانند دریایی وسیع که عمق آن فقط یک بند انگشت است.

قرآن به ما فرموده است: «فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»؛ یعنی هر چیزی را از اهلش پرسید. یا: «فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ از اهل اطلاع پرسید اگر چیزی را نمی‌دانید.^۱

نظر دین در گرفتاری‌ها

اولاً دین را باید از کارشناسان دینی گرفت زیرا افراط و تفریط در این وادی زیاد بوده و هست. ملاک شناخت احکام دین چهار وسیله مستحکم: قرآن، سنت، اجماع و عقل هستند که با این وسایل حکم خدا استخراج می‌شود و اینها در دست افرادی به عنوان مرجع تقلید قرار دارد که با شرایطی سخت به مقام مرجعیت دینی رسیده‌اند.

ثانیاً احکام دینی هم چند عنوان شناخته شده دارند از جمله: واجب، حرام، مستحب، مکروه، مباح که همچنانکه از نامشان روشن است، به برخی از آن باید عمل کرد و از بعضی از آنها باید اجتناب کرد و بعضی دیگر را بهتر است عمل کنیم و برخی را بهتر است ترک کنیم و برخی هم انجام و عدم انجام آن فرقی ندارد.

نکته‌ای شایسته یاد آوری است و آن اینکه این باید‌ها و نبایدها برای عده‌ای گران آمده و از دیرباز برای راحت زیستن با عنوانی از عناوین، شانه از زیر بار تکلیف خالی می‌کنند و علاوه بر این دیگران را هم از عمل به این مقررات الهی باز می‌دارند.

ثالثاً دعوی بین علم و دین ساخته استعمار است، هرچند دشمنان آگاه و دوستان نا آگاه هم در این زمینه بی تقصیر نیستند. مسائلی که از قدیم در میان مسیحیت و یهودیت موجود بوده، سبب این تهمت شده‌اند که مثلاً علم چیزی می‌گوید و کلیسا چیز دیگری؛ علم به فلان نتیجه علمی رسیده ولی مذهب کلیسا و کشیش به نتیجه دیگری رسیده‌اند و روزگاری هم حتی در مقابله با علم کتابخانه‌ها آتش زدند. همه اینها متأسفانه به نام کلیسا و کنیسه که آن را وابسته به خدا می‌دانند تمام شد و در نتیجه دین به عنوان ضد علم معرفی گردید. آری کلیسا برای مریض نسخه‌ای غیر عالمانه

می‌داد و می‌گفت: اگر شخصی رعایت اینها را بکند، بیمار نمی‌شود در حالی که می‌بینیم ارسطو که استاد طبیبان بود یا افلاطون که سرآمد حکیمان بود و جالینوس که پیر و صاحب تجربه بود، نتوانستند از مرگی که برای آنها مقرر شده بود جان سالمی به در ببرند و همه آنها مُردند. چه بسیار پزشکان داروسازی که مُرده‌اند و دارویشان دیگری را شفا داده. چه بسا طبیبانی که خود از دنیا رفته‌اند و بیمارانشان ماندند، اینها قسمتی از اسرار نهفته و نامعلوم مرگ هستند.

نظر دین به بیماران

بیماران گرامی‌اند:

رسول خدا ﷺ فرمود: آنگاه که بیماری به سراغ بنده‌ای می‌آید، دلش نازک می‌شود و بعضی گناهانی که از او سرزده را به یاد می‌آورد و قطره اشکی هر چند کوچک از دیدگانش سرازیر می‌شود و آنگاه خداوند او را از گناهانش با توفیق توبه پاک می‌نماید، پس اگر او از این بستر بیماری برخیزد پاک شده است و اگر بمیرد پاکیزه مرده است.^۱

بیماران پاداش دارند.

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که چون قیامت شود، گرفتار شدگان به بلا و بیماران به جهت پاداش فراوانی که

برای بیماری می‌بینند، آرزو می‌کنند که کاش در دنیا
گوشته‌شان با قیچی پاره پاره شده بود.^۱

وظیفه بیماران نزد طبیب

رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس بیماری خود را از پزشک
پنهان دارد، به بدن خویش خیانت کرده است.^۲

وظیفه بیمار نزد مردم

بحثی که در این روزها در جهان مطرح است، بحث
ویروس کُرُناسْت. شما در این روزها دعوای بین علم و دین
که دشمنان دانا یا دوستان نادان رقم زده‌اند را می‌بینید. در
اولین روزهای این خبر (و این که باید مردم در یکجا مجتمع
نشوند زیرا ناقل بودن این ویروس جدی است و در افراد از
طریق تنفس و مصافحه اثر می‌گذارد) مراجع تقلید درس خود

۱. فقه الرضا ص ۳۴۱

۲. غررالحکم

را تعطیل کردند و به مردم هم سفارش اکید کردند که توصیه‌های پزشکی را رعایت کنید و حتی در این مورد فتوای شرعی صادر کردند. منتهی جاهلانی عالم نما و افرادی کاتولیک‌تر از پاپ از این فتوی تمرد کردند و نظر شخصی خود را به نام اسلام منتشر نمودند.

هم دعا، هم دوا

در منطق دین، هم دعا هست و هم دوا و تأثیر هر دو هم با خداوند است و اینکه ما تصور کنیم اگر برای مرضمان به طبیب مراجعه کنیم گناه کرده‌ایم، به خاطر برداشت غلطی است که از دین داریم. باید بدانیم که هم خاصیت دعا از او و هم خاصیت دوا از ذات پروردگار عالم است. همچنان که گفته شده بزرگی از اولیاء خدا مریض شد و گفت: من دوا و علاج دردم را مستقیماً از خدا می‌خواهم؛ که از سوی خداوند خطاب شد اگر مدت‌ها هم مریض بمانی غیر از آنچه از دوا برای همه مقرر کرده‌ام، دوايي نمی‌فرستم زیرا تمام دوا و همه شفا و هر آنچه طبیب است از من است پس

حرکت کن و به فکر مداوای خودت باش، یعنی از طیب و دوا استفاده کن و امید شفا از خدا داشته باش.

در تمام عمر تاریخ عدّه‌ای مدّعی دینداری بوده و هستند که با برداشت غلط خود از دین آن را با خط کش سلیقه خودشان اندازه‌گیری می‌کنند. در عرف عقلا جمله‌ای معروف است که اگر می‌خواهی کسی یا چیزی را بد کنی، با سلیقه خودت از آن تعریف کن زیرا این کار در ظاهر تعریف، ولی در واقع تکذیب است؛ آن کسی که در لباس روحانی یا مداح در دینداری خود را از مرجع تقلید برتر می‌داند و وقتی که با نظر رهبر و مرجع تقلید و به مصلحت مردم و برای سلامت جامعه درب حرم را موقتاً می‌بندند و در جوار مراجع تقلیدی که قبل از آن درسشان را تعطیل می‌کنند چند نفر معدود متعصّب درب حرم را می‌شکنند و فریاد "یا حجت بن الحسن برس بفریاد ما" سر می‌دهند! اینان را نمی‌توان مذهبی حساب کرد.

اینان همانند آن جمعی هستند که همراه پیامبر ﷺ به مسافرت می‌رفتند و چون در ماه رمضان بود و در سفر نباید روزه گرفت، درعین حال در جوار پیامبر ﷺ روزه گرفتند. کدام حماقتی از این بالاتر که به خود اجازه می‌دهند روی حرف بنیانگذار دین از خودشان فتوای دینی بدهند!

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: دو گروه پشتم را شکستند، یکی گروه اهل افراط و یکی اهل تفریط! و در جای دیگری از دو گروه دوستداران افراطی و دشمنان افراطی نام می‌برد که هر دو گروه باطلند.^۱

قال علی علیه السلام: «يَهْلِكُ فِي رَجُلَانِ؛ مُحِبُّ مُفْرِطٍ، وَبَاهِتٌ مُفْتَرٍ»؛ دو نفر درباره من هلاک شدند، یکی آنکه، در دوستی افراط می‌ورزد و یکی آنکه، بهتان می‌زند و افترا می‌بندد.

«هَلَاكَ فِي رَجُلَانِ؛ مُحِبُّ غَالٍ، وَمُبْغِضُ قَالٍ»؛ دو کس درباره من هلاک شدند: دوستی که در دوستی‌اش غلو کند و دشمنی که در دشمنی‌اش افراط ورزد.^۱

مسلمان و شیعه ناب باید همانند شاگرد امام صادق عليه السلام یعنی ابن ابی یعفور باشد که به حضرت عرض کرد این اناری که نزد شماست را اگر از وسط نصف کنید و به من بفرومائید نیمی از این حرام است و نیمی حلال، من با شناختی که از شما دارم از آن نیمی که آن را حلال دانسته‌اید استفاده می‌کنم و به آن نیمی که از آن منع فرموده‌اید دست نمی‌زنم زیرا می‌دانم هم حکم از روی حکمت است و هم شما را حکیم می‌دانم و حکم حکیم بی دلیل نیست.

نقش دین در پزشکی

اصلاً پزشکی از دین و دستورات آن است. حضرت ابراهیم علیه السلام می گوید: «وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ»؛ و چون مریض شوم خدا شفایم می دهد.^۱

از طرف دیگر یکی از نام‌های خداوند شافی یعنی شفا دهنده است، یعنی او گیاه داروئی خلق می کند و او قوه تشخیص خواص آن را به انسان می دهد.

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۰۸، رسول خدا صلی الله علیه و آله را طیب^۲ دوار^۳ بطبه نام گذاری کرده اند، یعنی طیبی که طبابت را بر بالین بیماران می برد و نوعی طیب بدون مرز است که همگان را چه درمان روحی و چه درمان جسمی می نماید.

سرچشمه طب وحی الهی است.

شیخ مفید از دانشمندان بزرگ اسلامی می‌فرماید: «طب دانشی است درست که آگاهی از آن امری ثابت است و یک راه دسترسی به آن نیز وحی الهی است.^۱

سید بن طاووس از مفاخر علمای اسلامی می‌نویسد: «خدا آدم را از بهشت فرود آورد و او را از آگاهی به همه چیز برخوردار ساخت نجوم و پزشکی از جمله چیزهایی بود که خداوند وی را از آن‌ها آگاه نمود.^۲

شیخ صدوق از محدثان نامدار اسلام می‌فرماید: «آنچه در مورد درمان بیماری از امامان معصوم علیهم‌السلام رسیده است مضمون آیات و سوره‌های قرآن و یا دعاهائی است که به حکم سندهای قوی به ما رسانده‌اند.^۳

۱. احادیث پزشکی ص ۱۸

۲. احادیث پزشکی ص ۱۹

۳. اعتقادات صدوق ص ۱۱۵

پزشکی در اسلام

حدیث معروفی که «الْعِلْمُ عِلْمَانِ عِلْمُ الْأَدْيَانِ وَعِلْمُ الْأَبْدَانِ»
را شنیده‌اید که می‌فرماید علم بر دو قسم است علم دین و
علم بدن؛ یعنی علوم دینی و علوم پزشکی.^۱
امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند :

علم و دانش سه گونه است: علم فقه برای دین مردم،
علم طب برای بدن مردم و علم نحو برای زبان مردم.^۲

نکته‌ها:

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود هر مرضی دوی خودش را دارد.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پزشک مسیحی داشت.

تحصیل و تحقیق در پزشکی پایانی ندارد.

۱. احادیث پزشکی ص ۱

۲. تحف العقول ص ۲۰۸

آیت الله مکارم: چیزی به نام طب اسلامی نداریم. طب، طب است، اسلامی و غیر اسلامی ندارد. ما از طب دیگران و دیگران از طب ما استفاده می‌کنند.

چرا بیمار می شویم:

آیا بهتر نبود که خداوند طوری بشر را می آفرید که هرگز بیمار نشود؟

جواب اینکه همه چیز عالم بر اساس علت و معلول خلق گردیده است؛ انسان در زندگی از طریق انتقال ویروسی مریض شود و یا با تغذیه بد و یا سرما خوردگی یا هم وراثت از طریق والدین و اولیاء و دهها عامل دیگر گرفتاری گردد.

علت بیماریها

نظر به اینکه در نظام حکیمانه خدا زندگی می کنیم و می دانیم که تمام امور را حکمتی هست، باید مطمئن بود که هر نوع گرفتاری هم که پیش می آید بی حکمت نیست. به عنوان مثال به چند مورد از حکمت های بیمار شدن اشاره می کنیم؛

۱. تربیت:

قال رسول الله ﷺ: «الْمَرَضُ سَوْطُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يُؤَدِّبُ بِهِ»؛
بیماری، تازیانه خداوند در زمین است که با آن خداوندگان
خویش را ادب می‌کند.^۱

۲. پاکسازی:

قال علي بن أبي طالب: إِذَا ابْتَلَى عَبْدًا اسْقَطَ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ بِقَدْرِ عِلَّتِهِ؛
وقتی خدا بنده‌ای را به بیماری مبتلا می‌کند، به اندازه بیماری
اش از گناهانش می‌کاهد.^۲

۳. تکامل:

انسان همواره کمال طلب است و بعضی از کمال‌ها
نصیب انسان نمی‌شود جز با آزمایش؛

قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكُونُ لَهُ الدَّرَجَةُ عِنْدَ اللَّهِ لَا يَبْلُغُهَا
بِعَمَلِهِ يُبْتَلَى بِبَلَاءٍ فِي جِسْمِهِ فَيَبْلُغُهَا بِذَلِكَ»؛ انسان گاهی دارای

۱. احادیث پزشکی ص ۸۰

۲. احادیث پزشکی ص ۸۱

مرتبه‌ای در پیشگاه خداوند است که با عمل خویش به آن نمی‌رسد تا هنگامی که به گرفتاری و مرضی در جسم خود آزموده شود و به این واسطه به آن مرتبه و مقام برسد.^۱

۴. کیفر:

قال الرضا عليه السلام: الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهِيرٌ وَرَحْمَةٌ وَلِلْكَافِرِ تَعْذِيبٌ وَ لَعْنَةٌ؛ بیماری برای مؤمن تطهیر و رحمت و برای کافر عذاب و لعنت است.^۲

۵. مرگ:

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»؛ هرکسی طعم مرگ را می‌چشد. بالآخره انسان می‌میرد که آن هم حکمت خودش را دارد و این بیماری مقدمه‌ای برای آن نتیجه است.^۳

۱. احادیث پزشکی ص ۸۲

۲. احادیث پزشکی ص ۸۳

۳. انبیاء ۳۵

حکمت پنهان مرگ

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید طفل کوچک و بی گناه چرا مستوجب درد و مرگ می شود؟ فرمود: مرگ اسراری دارد که به برخی از آنها اشاره شد، تو گمان می کنی که بیماری و مرگ فقط از ناحیه غذای آلوده یا احیاناً فضای نامناسب به سراغ کسی می آید؟ و اگر رعایت اینها را بکند بیمار نمی شود؟

شکیبایی بیمار

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ناله بیمار نوشته می شود، پس اگر شکیبیا باشد این ناله حسنه نوشته می شود و اگر بی تابی کند، ناشکیبا و بی پاداش نوشته می شود.^۱

سپاسگزاری

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که فرمود: هرکس شبی بیمار باشد و این بیماری را به جان بپذیرد و سپاس آن را به درگاه خداوند بگذارد، آن شب برایش همانند عبادت شصت سال است. از امام پرسیدم پذیرفتن بیمار چیست؟ فرمود: بر آن شکیبایی کند و دیگران را از آنچه در این شب بیماری بر او گذشته است خبر ندهد و چون شب را به صبح آورد، خداوند را بر آنچه بوده است سپاس گوید.^۱

صدقه دادن

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هیچ بیماری به چیزی بالاتر از صدقه درمان نشده است.^۲

۱. کافی ج ۳ ص ۱۶

۲. احادیث پزشکی ص ۱۰۷

دعا

امیر مؤمنان علیه السلام گفت بیمار شدم، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عیادت آمد و فرمود: بگو "خداوندا از تو می‌خواهم عافیتی را که می‌دهی پیش اندازی بر امتحان خویش، بردباری‌ام بخشی و مرا به سوی رحمت خویش ببری"، من این دعا را خواندم و پس از آن از بستر بیماری برخاستم، گویا از بندی رسته باشم.^۱

پاداش پرستاری

رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس که یک شبانه روز بیماری را پرستاری کند، خداوند او را همراه با ابراهیم خلیل محشور می‌کند و بسان برق از صراط می‌گذرد.^۱

پیامبر خدا ﷺ فرمود: هرکس غذایی را که بیمار هوس کرده است به او برساند، خداوند از میوه‌های بهشتی به او خواهد خوراند.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس بیماری را عیادت کند، منادی از آسمان او را می‌گوید ای فلانی خوش باش و قدم برداشتنت به بهشت گوارایت باد.^۳

۱. ثواب الایمان ص ۳۴۱

۲. ثواب الایمان ص ۱۱۲

۳. کافی ج ۳ ص ۱۲۱

وظائف پزشکان

پزشک با جان و عرض و ناموس مردم سر و کار دارد و آنقدر اهمیت دارد که او را در زمان اضطرار، محرم مریض می‌دانند؛ پس به یقین باید از امتیازاتی برخوردار باشد؛ امتیازاتی از قبیل:

۱- احساس مسئولیت:

امام صادق علیه السلام از قول حضرت عیسی مسیح علیه السلام فرمود: «إِنَّ التَّارِكَ شِفَاءَ الْمَجْرُوحِ مِنْ جُرْحِهِ شَرِيكٌ لِجَارِحِهِ لَا مَحَالَةَ»؛ پزشکی که درمان زخم دیده‌ای را انجام ندهد، ناگزیر شریک کسی است که جراحت بر او زده است.^۱

این جمله را که پیامبری از پیامبران الهی بیان کرده و یکی

۱. احادیث پزشکی ص ۲۵

از معصومین برای ما نقل فرموده را، سزاوار است که پزشکان مسئول بالای سر خود نصب نمایند.

آن طبیبی که به همراهان مریض می‌گوید تا فیش پرداخت دستمزد مرا نیاورید، طبابت نمی‌کنم، در مقابل این جمله حضرت عیسی‌ای مسیح علیه السلام چه جوابی دارد؟ و امروز در این دنیا و فردا در آخرت چگونه خواهد بود؟

۲- تقوای پزشکی؛

تقوا از صفات بسیار پسندیده است و در هر صنف و هر رشته‌ای لازم و ضروری است و در این رشته مقدس پزشکی هم کاربرد بسیار خوبی دارد. تقوا در این رشته یعنی به کارگیری تمامی دستورات خدایی و به کار انداختن وجدان کاری، که خود یک دادگاهی در وجود انسان است.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «مَنْ تَطَبَّبَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لِيُنصَحْ وَ لِيَجْتَهِدْ»؛ هرکس طبابت پیشه کند باید از خدا پروا داشته و

خیرخواهی و جدیت به خرج دهد.^۱

لغات «ولیفصح» و «لیجتهد» که در حدیث آمده بود به معنی خیرخواهی و به کارگیری همه توان است.

این تقوای پزشکی شامل مسائل جنسی و رعایت محرم و نامحرم نیز می‌باشد، زیرا در تمامی رساله‌های عملیه گفته‌اند اگر حتی پزشک بدون نگاه مستقیم بتواند علاج کند، باید آن کار را انجام دهد و اگر با نگاه سطحی قابل علاج است، به حداقل نگاه یا لمس اکتفاء کنند آن هم در صورتی که پزشک هم جنس نباشد.

۳- تشخیص بیماری؛

جان مردم در دست پزشک است. در جایی که نه مریض و نه همراه او حق دخالت ندارند، این پزشک است که باید تمام فکر و خلاقیت خود را بکار ببندد.

رسول خدا ﷺ به یکی از پزشکان فرمود: «لَا تُدَاءِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ دَاءَهُ»؛ هیچ کس را درمان مکن مگر آنگاه که بیماری او را بشناسی.^۱

گاهی تشخیص نادرست در معالجه یا تجویز داروی بی جا باعث مرگ مریض یا فلج شدن او تا آخر عمر می شود و پزشکان با وجدان به خوبی می دانند که در این صورت مقصرند و مدیون جان مریض یا مخارج او و دیه کامل را بدهکار می شوند، البته در صورتی که عمداً و یا با احتمالات ضعیفی معالجه یا مداوا کرده باشند.

۴- حفظ اسرار مریض؛

بسیاری از بیماری‌ها را مریض نزد هر کسی نمی گوید و حتی گاهی درد می کشد و آن را کتمان می کند، ولی دکتر را محرم راز خود دانسته و همه را به او می گوید، لذا وظیفه

۱. احادیث پزشکی ص ۴۷

پزشک متعهد ایجاب می‌کند که سرّ مریض را فاش نکرده و معالجه‌اش کند.

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ وَإِفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ، فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ»؛ نشست‌ها به امانت است و افشای راز از برادرت نیز خیانت می‌باشد پس از این کار اجتناب کن.^۱

۵- ایجاد امید در مریض؛

طیب حاذق و مؤمن مایه اطمینان و آرامش مریض است زیرا چون حاذق است تشخیصش بجاست و چون مؤمن است دروغ نمی‌گوید و برای شخص مریض بدترین حالت قطع امید است.

قال علي عليه السلام: «أَعْظَمُ الْبَلَاءِ انْقِطَاعُ الرَّجَاءِ»؛ سخت‌ترین بلاء گسستن امید است.^۲

۱. امالی طوسی ص ۵۳۷

۲. غررالحکم

گاهی به فرمودهٔ علی علیه السلام ناامیدی طرف را می‌کشد؛
قال علی علیه السلام: «قَتَلَ الْقَنُوطُ صَاحِبَهُ»؛ نومیدی آن کس که
دامنگیرش شود را می‌کشد.^۱

جلوگیری از پزشکی نماها؛

این حرفه مقدس از جایگاه رفیعی برخوردار است ولی
افراد غیر متعهدی پیدا می‌شوند که ژست طبابت به خود می
گیرند. اینان در هر لباسی می‌توانند باشند؛ که دستور دین به
جلوگیری از این مدعیان دروغین است زیرا در دین، دماء و
نفوس مردم حرمت خاصی دارد یعنی خون و جان مردم از
احترام ویژه‌ای برخوردار است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ تَطَبَّبَ وَلَمْ يُعَلِّمْ مِنْهُ طِبُّ، فَهُوَ ضَائِرٌ»؛

هرکس بدون سابقه و تخصص لازم به کار طبابت دست یازد، ضامن است.^۱

دین و سلامتی

روح و تن انسان نیازمند مراقبت است تا سلامت باشند، لذا در دستورات دینی به مراقبت از جسم با ورزش‌های سلامت آفرین سفارشات فراوانی شده است؛ مثلاً درباره پیاده روی فرموده‌اند: «أَحْسِنِ اللَّعْبَ الْمَشْيَ»؛ بهترین ورزش ها، پیاده روی است.

و درباره بهداشت دهان و دندان فرموده‌اند: «مَا زَالَ جَبْرَائِيلُ يُوصِينِي بِالسُّوَاكِ حَتَّى طَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَجْعَلُهُ فَرِيضَةً»: جبرئیل همواره مرا به مسواک زدن سفارش می‌فرمود، چندان که گاهی گمان کردم به زودی آن را واجب خواهد کرد.^۱

و درباره ناخن و مو می‌فرماید: در هر جمعه ناخن‌هایت را بگیر و موهایت را کوتاه کن زیرا بسیاری از بیماری‌های

۱. وسایل الشیعه ج ۲ ص ۹

درون بدن با بلند شدن مو و ناخن از بدن زایل می‌شود. دین برای زایل کردن موهای زیر بغل و زیر شکم و در خصوص ختنه کردن و در مورد استحمام و غسل جمعه تأکید فراوانی دارد و مثلاً می‌فرماید با دست چرب بعد از غذا نخوابید که باعث بسیاری از امراض جسمی و روحی می‌شود.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در یک جمله حکیمانه درباره خوردن و آشامیدن فرمود: «لَا تَطْلُبُ الْحَيَاةَ لِتَأْكُلَ، بَلِ اطْلُبِ الْأَكْلَ لِتَحْيَا»: زندگی را برای خوردن مخواه، بلکه خوردن را برای زندگی بخواه.^۱

در خورد و خوراک دستور دین این است که اسراف و زیاده روی نکنید زیرا زیاد خوردن موجب مرض‌های زیادی می‌شود.

در فرامین دینی، خداوند روزه واجب و مستحب را برای انسان قرار داده است که خود یک نوع پاکسازی روده و معده و پاکسازی بدن است.

قرآن می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»: از نعمت‌های خدا بخورید و بیاشامید ولی زیاده روی نکنید.^۱

اسلام، معده را خانه بیماری‌ها و کم خوردن را سرآمد دواها معرفی فرموده است؛ قال رسول الله ﷺ: «الْمَعِدَةُ بَيْتُ كُلِّ دَاءٍ، وَالْحَمِيَةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ»: معده خانه مرض‌ها و کم خوری سردسته دواهاست.^۲

۱. اعراف ۳۱

۲. طب النبی ﷺ ص ۱۱

۳. اعراف ۳۱

داستان

آشپز هارون الرشید عباسی که مسیحی بود به طبیب مسلمانى گفت: من در کتاب شما قرآن درباره طب چیزی ندیدم در حالی که علم بر دو قسم است؛ علم ادیان و علم ابدان. پزشک مسلمان فرمود: دستور قرآن در یک نیمه آیه همه چیز را گوشزد می‌کند آنجا که می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»؛ بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید.^۲

اندرون از طعام خالی دار

تا در او نور معرفت بینی

البته معلوم است که معنای اسراف نکنید و پرهیز کردن به معنای نخوردن نیست، بلکه برنامه داشتن در خوردن و آشامیدن منظور نظر دین است. پرخوری و تنوع طلبی در تغذیه ممنوع است.

جوابی حکیمانه

می‌گویند یکی از سلاطین و پادشاهان به پیرمردی صد و بیست ساله که مشغول فعالیت بود رسید و پرسید این چگونه است که شما با فقری که دارید و غذای آنچنانی هم نمی‌خورید، عمر طولانی می‌کنید و ما که شبانه روزی چند وعده غذاهای رنگ و وارنگ می‌خوریم، نوعاً نصف شما هم عمر نمی‌کنیم؟

پیرمرد بر اساس آیه سی و دو سوره زخرف پاسخ داد که می‌فرماید: « نَحْنُ قَسَمًا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا... » ما تقسیم کردیم بین انسان‌ها رزق و معیشتشان را...

گفت: هرکدام از ما در این دنیا سهم معینی از گوشت و روغن و لذائذ داریم و شما با داشتن امکانات سهم خود را مصرف می‌کنید و وقتی سهمیه‌تان تمام شد، می‌میرید، ولی ما سهمیه خود را به تدریج مصرف می‌کنیم و در نتیجه عمرمان

بیشتر و گاهی دو برابر می‌شود.^۱

درباره خاصیت امساک و کم خوردن، دانشمندان امروز جهان نظراتی دارند و حتی تأکید بر روزه داری می‌نمایند. آلکسی سوفورین در کتابی تحت عنوان «روزه، روشی نوین برای درمان بیماری‌ها» می‌نویسد: ... چهار پنجم از بیماری‌ها بر اثر تخمیر غذا در روده‌ها ایجاد می‌شود که همه با روزه از بین می‌روند و اسلام هم از زبان مبارک پیامبرش می‌فرماید: «صوموا تصحوا»: روزه بگیرید تا سالم باشید.^۲

کنترل شکم

سوفورین دانشمند روسی می‌گوید: «امساک در غذا مطمئن‌ترین وسیله برای دفع هر نوع بیماری است زیرا بدین طریق همه نیروی بدنی انسان متوجه پاکسازی می‌گردد و

۱. نعمت سلامتی ص ۲۷

۲. الدعوات ص ۷۵

بدنی که از لحاظ داخلی واقعاً تمیز باشد، سالم است و امساک در غذا عالی ترین و بزرگ ترین پاک کننده بدن است.^۱

قال الصَّادِقُ عليه السلام: «لَوْ اقْتَصَدَ النَّاسُ فِي الْمَطْعَمِ لَأَسْتَقَامَتِ أَبْدَانُهُمْ»: اگر مردم در مورد طعام اعتدال و میانه روی پیشه کنند، بدنهایشان استقامت می یابد.^۲

۱. راهنمای همگان ص ۵۲

۲. بحار الانوار ج ۵۹ ص ۳۶۹

وظائف افراد سالم:

۱. عیادت و احوالپرسی؛

قال علی عليه السلام: «مَنْ أَحْسَنَ الْحَسَنَاتِ عِيَادَةَ الْمَرِيضِ»: از جمله نیکوترین اعمال حسنه، عیادت مریض است.^۱

۲. پرهیز از نگاه دنباله دار به بیمار؛

قال رسول الله ﷺ: «لَا تُدِيمُوا النَّظَرَ إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ وَالْمَجْذُومِينَ فَإِنَّهُ يَحْزَنُهُمْ»: چشم خود را به مردم مبتلا و مریض و جزامی ندوزید چرا که این عمل آنان را غمگین می‌نماید.^۲

نکته‌های اخلاقی و روانی در اینجا این است که حتی ذکر «الله اکبر» و «لا اله الا الله» که باعث ناراحتی مریض شود، بر

۱. مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۷۷

۲. بحار الانوار ج ۷۲ ص ۱۵

زبان نرانید و حتی اگر برای سلامتی خودتان شکر و سپاس می‌کنید، به گوش بیمار نرسد. بگذارید او در همان کورسوی امیدی که دارد، بماند.

۳. بیمار را مجبور به خوردن غذا نکنید؛

قال رسول الله ﷺ: «لا تکرهوا مرضا کر علی الطعام»: مریض‌های خود را به خوردن چیزی مجبور نکنید.^۱

۴. عیادت مریضان خاص؛

عیادت از بیماران اهل ایمان و عیادت همسایگان و عیادت فقیران از اولویتی برخوردار است که هرکدام روایات و سفارشات خاصی از سوی رهبران دین دارد.

عیادت از بیماران خود عبادتی بزرگ به حساب می‌آید، لذا باید مخلصانه باشد و انسان باید تا بتواند هدیه‌ای همراه خود ببرد و به بیمار دل‌داری و امیدواری بدهد.

۱. مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۴۵۹

نکته

می‌گویند در قدیم پدران ما مالی را وقف می‌کردند که مردمی برای عیادت مریض بروند و روز دوم هم باز عیادت کنند و آرام به یکدیگر بگویند که الحمدلله وضع رنگ و رُخش از دیروز بهتر است و این سرگوشی را طوری بگویند که مریض بشنود! این کار از نظر روانی در بیمار اثر خوبی دارد.

برخی از دانشمندان می‌گویند که مبتلایان به بعضی مرض‌ها مانند وبا و امثال آن به دلیل یأس از معالجه و ناامیدی نسبت به آینده از دنیا می‌روند.

در حال حاضر که بحث ویروس منحوس کُرُنَا کلّ جهان را گرفته است، پزشکان می‌گویند بسیاری از مبتلایان از ترس، فوت کرده اند! که وظیفه عیادت کنندگان این است که بر اساس قول قرآن مجید به افراد امید بدهند؛ «لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ

اللَّهِ»؛ از خداوند مأیوس نباشید.^۱

در هنگام عیادت هم دعا کردن و هم التماس دعا از بیمار خواستن سفارش اسلام است و در مورد عیادت گفته‌اند در فاصله هر سه روز یک بار بیشتر نباشد، عیادت از سالمند از سفارشات اکید مکتب حیاتبخش اسلام است.

قال رسول الله ﷺ: «من إجلال الله إجلال ذي الشيبة المسلم»:
از جمله تقدیس ذات خداوندی، تجلیل و احترام گذاشتن به مسلمانان سالمند است.^۲

حفظ سلامتی

خداوند انسان را سالم می‌آفریند. این خود انسان است که به خود ضرر می‌رساند. در دین مقدس اسلام حفظ سلامتی همواره مورد سفارش و عنایت اولیای خدا بوده است.

۱. یوسف ۸۷

۲. کافی ج ۲ ص ۶۵۸

بابی تحت عنوان حفظ الصحه است که به بسیاری از تمهیدات سلامتی اشاره می‌نماید که از جمله آنها سفارش به ورزش بدن است. قال رسول الله ﷺ: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَ الرِّمَایَةَ»: به فرزندان خود شنا و تیراندازی بیاموزید.^۱

همه می‌دانیم که ورزش هم نشاط روحی دارد و هم سلامت جسمی. به تجربه بر همگان ثابت شده است که در ورزش شنا چه فعالیت و نتیجتاً چه طراوتی نصیب انسان می‌شود.

البته از این نکته هم نباید غافل شد که ورزش در دنیا از خاصیت اصلی خود افتاده و حالت‌های سرگرمی آن هم گاهی نوع غلطش رابه خود گرفته است. آری، ورزشی که به انسان نشاط می‌دهد، ورزشی است که بدن انسان فعالیت کند و روح انسان از آن لذت می‌برد اما امروز بسیاری از

ورزش‌ها اعصاب و روان عده‌ای را می‌لرزاند و در حقیقت از میان میلیون‌ها جمعیت، فقط یازده نفر خوشحالند و بقیه ناراحت!!

همیشه گفته‌اند روح سالم در بدن سالم است. اگر مردم تحرک بدنی داشته باشند، روحی با نشاط خواهند داشت. مردان قدیم وسیله ورزشی همچون بیل و کلنگ داشتند و هیچکدام از امراض امروزی را هم نداشتند. وزن اضافه و چربی متراکم و قند خون و چربی خون و کبد چرب و اوره و صدها درد و مرض دیگر مربوط به بی تحرکی امروز بشر است. روی مبل نشستن و بازی بیست و دو نفر در آن سوی دنیا را دیدن و در اوج استرس یکی دو ساعت را گذراندن، نه تنها موجب مرض است، که خود مرضی خطرناک است! امام باقر علیه السلام که در حال بیل زدن است و می‌فرماید: اگر در این حال بمیرم در بهترین حالات مرده‌ام.

در بیرون مسجد پیامبر مردی قوی هیکل مشغول بیل زدن بود. عده‌ای که دور حضرت نشسته بودند گفتند چه بدن قوی دارد، اگر آن را در عبادت صرف می‌کرد، چه خوب بود! حضرت فرمود: مگر او الآن چه می‌کند؟ این کار عبادتی پسندیده است. اگر او بیل می‌زند که زن و بچه‌اش محتاج نباشند، کاری پسندیده است و اگر او کار می‌کند که جامعه‌اش نیازمند نباشند، کاری پسندیده می‌کند!

بالاخره حفظ سلامتی بدن از واجبات است و باید از عوامل خمودگی و دلمردگی اجتناب نمود. امام صادق علیه السلام فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ»: خداوندا از دلمردگی و کسل بودن به تو پناه می‌برم.^۱

دقت‌های دینی:

اسلام به نظافت و بهداشت محیط زندگی و بدن اهمیت زیادی می‌دهد و برای جارو کردن محیط خانه ثواب قرار می‌دهد و برای چیدن ناخن هر پنجشنبه و جمعه فضیلتی قائل است و برای غسل جمعه اجر و مزدی در نظر می‌گیرد و اگر سقف خانه ای از بی مبالاتی تار عنکبوت داشته باشد، صاحب آن خانه را مذمت می‌کند؛ قال رسول الله ﷺ «بَيْتُ الشَّيَاطِينِ مِنْ يُوتِكُمْ بَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ»: خانه‌های عنکبوت در محل سکونت شما خانه‌های شیطانند.^۱

در سفارشات اولیاء خداست که غذای داغ را نخورید و به غذا فوت نکنید، تا گرسنه نشده‌اید بر سر سفره ننشینید و هنوز که اندکی میل به غذا دارید سفره را ترک کنید و آخر

۱. کافی ج ۶ ص ۵۳۲

شب حتماً عمل تخلیه معده را انجام دهید که اگر کسی این ریزه کاری‌ها را انجام دهد، از هر طیب و دارویی بی نیاز خواهد بود.^۱

طرح فاصله گذاری اجتماعی

اسلام برای سرایت نکردن ویروس از کسی به کسی و کسانی، صریحاً دستورالعمل دارد و می‌فرماید در مرض‌های واگیردار با بیمار فاصله داشته باشید؛ قال رسول الله ﷺ: «كَرِهَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِامْتِي... أَنْ يُكَلِّمَ الرَّجُلُ جُذُومًا إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ قَدْرُ ذِرَاعٍ»: سخن گفتن با فردی که به مرض جذام مبتلاست کراهت دارد مگر آنکه میان آنها به اندازه یک ذراع (نیم متر) فاصله باشد.^۲

۱. خصال ج ۱ ص ۲۲۹

۲. من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۵۵۷

مقصر ماییم نه مقدرات الهی

اگر رعایت بهداشت نکردیم، اگر فاصله‌ها را رعایت نکردیم، اگر به مستحبات دینی عمل نکردیم و سپس گرفتار شدیم، نباید تقدیر و مقدرات الهی را مقصر بدانیم خود را بی تقصیر.

دانشمندی می‌گوید: مردم ناپرهیزی‌های خود را روی هم می‌ریزند و چون گرفتار تحول و دگرگونی در زندگی یا در وجودشان شدند نامش را تقدیر می‌نامند.

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را

برون کن ز سر باد خیره سری را

چو تو خود کنی اختر خویش را بد

مدار از فلک چشم نیک اختری را^۱

سخن در دقت‌های دینی بود و سفارشات حکیمانه و در

عین حال به قول ما پیش پا افتاده؛ فرموده‌اند از درِ مشک آب نخورید و با پای بدون کفش راه نروید و خانه‌ها را محکم بسازید و ورزش کنید و به مسافرت اهمیت دهید و اصلاح سر و صورت کنید و روی ظرف غذا را بپوشانید و در مسافرت از جاده اصلی بروید؛ قال علی علیه السلام: «عَلَيْكُمْ بِالْجَادَةِ وَإِنْ دَارَتْ»: در جاده اصلی سفر کنید اگرچه لازم باشد دور بزنید (راهتان دور شود).

امام باقر علیه السلام به شخصی که قصد سفر داشت سفارشاتى فرمود که از نظر ما حائز اهمیت به حساب نمی‌آید، مثلاً فرمود: هر گیاهی را نخور، هر گیاهی را بو نکن، مگر وقتی که بدانی چیست و در سوراخ زمین ادرار نکن و به سفر بدون همراه و راه بلد اقدام نکن.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند:

دوستان و رفیقان را در هنگام گرفتاری امتحان کن و ببین آیا واقعاً همیشه دوستند یا در حالت رفاه تو!

اقوام و خویشانان را در زمان فقر و تنگدستی آزمایش نما
تا معلومت شود که در وضعیت عادی با تو خوبند یا در فقر
و فاقه هم همراهت هستند؟!!

خانواده و فرزندان را در دوران نبود خودت آزمایش
کن که چگونه با زندگی تو برخورد می‌کنند و تا کجا حرمت
و امانت تو را پاسداری می‌کنند.^۱

اسلام بدون حکمت حکمی را واجب یا حرام یا مکروه و
مستحب و مباح نفرموده است دنیای علم امروز به برخی از
فلسفه این حکمت‌ها می‌رسد و در آینده نزدیکی بیشتر
واقف خواهد شد.

رهبر دین در دورانی دور یعنی هزار و چهارصد سال قبل
این احکام پنجگانه واجب و حرام و... را قرار داد تا اینکه
بشر سالم بماند ولی بشر کم ظرفیت با چند کتاب که خواند
غرور پیدا کرد و اینها را به مسخره گرفت و مبتلا شد.

در آن روز اسلام خوردن خبائث را حرام کرد و خوردن گوشت خوک را ممنوع نمود و حتی در گوشت حلال گوشتی که در ذبحش یا خوراکش دقت نشده فتوای به اجتناب داد ولی دنیای مغرور علمی به آن عمل نکردند امروز هم مبتلا شدند و هم به باور رسیدند که آری گوشت خفاش آلودگی و کرنا می‌آورد و گوشت خوک و خنزیر فلان کرم را در بدن تولید می‌کند!

آری آن روزها این آزمایشگاه‌های مجهز در جزیره العرب وجود نداشت و این آکادمی‌های علمی نبود اما احترام به دستورات خدای حکیم بود، باید دانست که خدای حکیم خود خالق انسان است و خالق از مخلوقش خوب خبر دارد و مصلحت او را از دیگران بهتر می‌داند، پس اگر از روی علم و حکمت چیزی را حرام یا مکروه و مستحب می‌داند، باید به آن توجه کرد.

متأسفانه باید غصه خورد که امروز انسان به القاب دلخوش است. القابی از قبیل دکتر، متخصص، فوق تخصص و پروفیسور و امثال اینها یا با لوازم پیشرفته پزشکی دلخوش است از قبیل آزمایشگاه‌های فوق مجهز لکن در مقابل یک ویروس نامرئی و مرموز کرنا همه احساس عجز کرده‌اند و تا این لحظه که این مطالب نوشته می‌شود - یعنی خرداد ماه ۹۹ - هیچ کشوری نتوانسته است حتی ادعا کند که پادزهر این زهر و واکسن این ویروس را پیدا کرده و یا در آستانه پیدا کردن است!! در اینجا انسان به ضعف این بشر دو پا پی می‌برد که قرآن درباره‌اش فرمود: «خلق الانسان ضعيفا»، این انسان ضعیف و این ادعای بزرگی و احساس بی‌نیازی از خدا پروژه‌ای خنده‌دار است که امید است این مخلوق مغرور روزی سرش به سنگ بخورد و خدا را هم در کار و فکر خویش سهیم کند!!

بیایید دیدگاهمان را عوض کنیم.

ما هر ایرادی که به کارهای حکیمانه این جهان می‌گیریم نوعاً به عدم شناختمان از خدا و آفرینش بر می‌گردد. گاهی که از او گله داریم و گاهی که توقع داریم و گاهی که به خواسته دلمان نمی‌رسیم همه و همه به دلیل این است که یا خدا را حکیم نمی‌دانیم یا به حکمت او معتقد نیستیم و یا از تلقینات شیطانی و تبلیغات انحرافی افراد منحرف خط می‌گیریم.

این که من زحمت نکشیده و به یکباره متخصص شوم یا درس نخوانده استاد شوم از لطف و قدرت خدا بعید نیست ولی از حکمت خدا دور است.

این که من با یک عمر گناه در یک لحظه آمرزیده شوم و دوشادوش سلمان فارسی مقبول خدا و رسول شوم، با عدل خداوند جور نیست.

این که من از تمامی گرفتاری‌های جهان هستی به صورت استثنایی رها شوم و قضا و قدر الهی مرا به خودم واگذار نماید عقلائی نیست.

اگر عالم به کام من نگردد

به کام خویش گردانم جهان را!

در این شعر باید شاعرش بداند که نه همه عالم به کام تو خواهد گشت و نه می‌توانی عالم را به کام خویش بگردانی.

این که من خودم را تافته جدا بافته آفرینش بدانم، از باب برداشت غلط من است.

اینکه من در دعا کردن و خواستن از خدای قادر متعال او را در اختیار خود گرفته و کاری به مصلحت خودم نداشته بلکه به خواسته‌ام کار داشته باشم و بگویم من باید به خواهش دلم برسم هم کاری شدنی نیست و هم فرهنگ دعا هم اینچنین نیست و...

پس چگونه باید بود؟

باید در نظام هستی که من و امثال من هرکدام یکی از آحاد آن هستیم راضی به قضا و قدر الهی باشیم و کار خود را به کاردان بسپاریم که معنای جمله معروف: «افوض امری الی الله» همین است که سنت الهی همه گیر است و استثنا بردار نیست، البته جایگاه دعا و نیایش که خود بحث مفصلی دارد و جایگاه بس رفیعی است و نباید آن را فراموش کرد که جای بحث از آن و اثراتش اینجا نیست.

در سنت‌های طبیعی عالم سیل و زلزله مسجد و میخانه را با هم خراب می‌کند. در ویروس‌های رواج یافته کلیسا و نمازخانه باید از خود مراقبت کنند، در تصادفات خیابانی اهل ذکر و اهل عشرت باید مراقب خود باشند زیرا در سنت خداوندی تغییر و تحولی نیست.

چرا ویروس وارد حرم هم می‌شود؟

درهای حرم اهل بیت را بسته‌اند تا مردم و به تبع مردم،

کُرْنا وارد حرم نشود، دشمنان مانند همیشه از این جریان سوء استفاده کرده و زبان به طعنه گشودند و گفتند: چرا امامان کاری نمی‌کنند؟!

اینان نیز با اصل سنت تغییرناپذیر الهی مشکل دارند، امامان ما در پیشگاه خدا جایگاه رفیعی دارند که وصف آن را در این فرصت نمی‌توان بیان نمود، فقط همین قدر می‌توان بیان کرد که آن مقامات مقرب الهی به خوبی می‌دانند که از موقعیت معنوی خود نباید سوء استفاده نمایند و گر در وصف آنها گفته شده که فرقیان با ما این است که ما نمی‌دانیم و اگر هم بخواهیم از غیب خبر دهیم، نمی‌توانیم بدانیم ولی آنها اگر بخواهند از علم لدنی و علم غیب استفاده کنند می‌توانند و با داشتن این قدرت بزرگ در عین حال به مصداق استفاده اختصاصی ممنوع از علمشان استفاده شخصی نمی‌نمایند. که سنت الهی تبعیض بردار نیست و شامل همه می‌شود.

نکته‌هایی از این بحث

اراده خدا یا اراده من؟

ما گاهی اراده ناقص خود را بر اراده خکیمانه خدا ترجیح می‌دهیم و می‌خواهیم خدا در اختیار ما باشد در حالی که اگر اراده حکیم نباشد، کارها پیش نمی‌رود و این باعث می‌شود که ما همواره در حال گلایه از روزگار باشیم.

باید دانست که قوت و قدرت از اوست و توان و قدرت من هم به قدرت او بستگی دارد که می‌گوییم «بجول الله وقوته اقومواقعد»: به قدرت او بر می‌خیزم و می‌نشینم.

ما درباره قدرت امامان معتقدیم که قدرت خدادادی دارند ولی با نظارت پروردگار عالم همچون پلیسی که اسلحه دارد ولی اجازه استفاده در هر موقعیتی ندارد یا مانند معلم

تعلیم رانندگی که ترمز و کلاج راننده را تحت کنترل خود دارد.

لطیفه

بزرگی می‌گفت در قبرستان بقیع گربه‌ای تردد می‌کرد. یکی از معتقدان منتقد گفت: این گربه گاهی پا روی قبر امام می‌گذارد، چرا امام او را پیش نمی‌کند؟! گفتم در کربلا اسب، پا روی سینه امام حسین علیه السلام گذاشت و امام -پیش- نگفت. آری، اینها از اختیارات خودشان برای شخص خودشان استفاده نمی‌نمایند. امامان ما وجیه و آبرومندند در نزد خداوندند و اگر شفا می‌دهند به اذن خداست و اگر شفاعت می‌کنند به اذن خداوند است.

غرور ممنوع

انسان‌های کم ظرفیت بلافاصله ظرفشان پر و لبریز شده و همه جا را خراب می‌کنند. خدا به قارون مال و ثروت فراوان

می‌دهد و هرگاه برای کمک گرفتن از او برای فقرا می‌رفتند و به او می‌گفتند خداوند به تو این امکانات را داده است، قدری هم به مستمندان کمک کن، می‌گفت: اینهایی که دارم دستاورد خودم و فکر و اندیشه خودم است: «علی‌علم‌عندی» به خاطر دانشی است که خودم داشته‌ام!

امروز و با این آزمون بزرگ جهانی یعنی ویروس کرونا، بسیاری از اندیشمندان مغرور دنیا که ادعای علوم آنچنانی می‌کردند و فرعونی در عالم پزشکی به حساب می‌آمدند در مقابل یک گرم از پنج گرم وزن احتمالی این پدیده نوظهور به زانو در آمده و اظهار عجز کردند و در این دو سه ماهی که از آغاز ابتلای مردم گذشته است، هرکدام از قطب‌های پزشکی دنیا نظری کاملاً احتمالی دادند و تا این تاریخ حرف قطعی و علاج واقعی آن اعلام نشده است!

بیاییم...

- به جای بدمستی و غرور، به فکر خود باشیم و بدانیم که ما مخلوقیم و خالق داریم.
- بدانیم که ما نیازمندیم و بی نیازی بالای سر ما جلسه امتحان ما را زیر نظر دارد.
- بدانیم که گاهی رشد ما در تحمل سختی‌ها پیدا و نمودار می‌شود که «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ 'باهر سختی آسانی می‌باشد.
- و بدانیم که فرعون‌های علمی و مالی عالم کلاً سر به تیره تراب برده‌اند!
- و بدانیم که اگر اندکی می‌دانیم از لطف اوست که به ما عنایت کرده است: «وَمَا أُوتِئْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»: ما

- از علم و دانش، اندکی به شما داده‌ایم.^۱
- بدانیم که مردان بزرگ از لابلای سختی‌ها به جایی رسیده‌اند و نهایتاً به لطف الهی اقرار کرده‌اند.
 - و بدانیم که چهل دانشمند غیر مسلمان کتابی نوشته‌اند تحت عنوان اثبات وجود خدا و هر کدامشان به نوعی و بر اساس رشته تحصیلی خود، خدا را با استدلال اثبات کرده‌اند.

